

# قصه‌های مدرسه

## کلاس ما ( 11 )

پوریا ترابی  
دلم براتون تنگ شده...  
دلم برای بی‌اجازه بیرون رفتن‌ها تون تنگ شده  
دلم برای شوت‌های بی‌هدف تون توی زنگ ورزش تنگ شده  
دلم برای بدخط بودن‌ها تون تنگ شده  
دلم برای وقتی که کاپشن نمی‌پوشیدین و بعدش که می‌دیدید هوا سرده  
میومدین کلاس تا کاپشن بپوشید تنگ شده  
دلم برای جویدن‌های ته مداد تون تنگ شده  
دلم برای هزار بار آقا آقا آقا آقا گفتن‌ها تون تنگ شده  
دلم برای دو تا شکلات برداشتن‌ها تون تنگ شده  
دلم برای شنیدن جمله پس‌کی میریم فوتبال گفتن‌ها تون تنگ شده  
دلم برای کشیدن لپ‌ها تون تنگ شده  
دلم برای ترکی صحبت کردن‌های ناخواسته تون تنگ شده  
دلم برای سفت بغل کردن تون تنگ شده  
دلم برای تمام خریدهای بچگی تون تنگ شده  
دلم برای مژه‌های خیس تون وقتی کتک می‌خوردین تو دعوا تنگ شده  
دلم برای برق چشماتون وقتی بهتون جایزه می‌دادم تنگ شده  
دلم برای گنگ نگاه کردن تون وقتی درس جدید می‌دادم تنگ شده  
دلم برای دست دادن‌های زنگ آخر تون تنگ شده  
دلم برای همه چی تون تنگ شده عزیزای دلم... .